روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه • ۱۱ مرداد ۱۳۹۶ • ۹ ذیقعده ۱۴۳۸ • ۲ آگوست ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۹۲۶ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۷ • اذان صبح فردا ۴:۳۸ • طلوع آفتاب ۶:۱۴

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

حرف درشت

پلیس + ۱۰ ضربدر ۱۰۰ میلیارد

پوریا عالمی

● پلیس + ۱۰ بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان به جرم گران‌فروشی جریمه شد. البته این جریمه فقط برای تخلف این شرکت در سال ۹۴ است و باقی سال‌ها هنوز محاسبه نشده است. (ایسنا)

- به همین مناسبت یکی از مسئولان گفت: ما گران‌فروشی نکردیم و اشتباه کامپیوتر بوده. چون اسم ما + ۱۰ است، کامپیوتر خودبه‌خود هر فاکتوری را + ۱۰ ضربدر ۱۰ + ۱۰ ضربدر ۱۰ به توان ۱۰ می‌کرده است.

- پس از جریمه ۱۰۰ میلیاردی پلیس + ۱۰ قرار شد پلیس + ۱۰ به «پلیس هرچی کَرَمته» تغییرنام بدهد.

- به همین منظور در توافقی که بین پلیس و دانشگاه تهران به وجود آمد، قرار شد افراد پلیس+۱۰ برای گذراندن دوره چهار عمل اصلی به صورت رایگان ثبت‌نام کنند.

- همچنین قرار شد پلیس + ۱۱ مراقب پلیس + ۱۰ باشد.

- شعار پلیس + ۱۰ نیز به «چون + ۱۰ آمد نود هم پیش ماست» تغییر کرد.

- کانون وکلا نیز اعلام کرد شهروندان قبل از مراجعه به پلیس + ۱۰ به وکیل مراجعه کنند.

- اکبرآقا، بقال سر کوچه، از مال‌باختگان، نیز گفت: حتی اگه از پلیس+۱۰ باقی پولتون رو پس می‌گیرید، حتما بشمریدش. ضرر نمی‌کنید.

- در همین رابطه ما که دیروز به اتهام توقف غیرمجاز اتومبیل ممنوع شده بودیم، به پلیس مربوطه گفتیم «سرکار! این جریمه‌رو از طلب ۱۰۰میلیاردیم از پلیس + ۱۰ کم کن!» شما هم تا اطلاع ثانوی هرچی جریمه شدید بزنید پای طلبتان.

- پلیس + ۱۰ در همین لحظه و با سیستم تکاوری و کماندویی، با ورود غافلگیرکننده به صفحه word من، گفت: داداش دیگه آبلیموش رو درآوردی دیگه. انگار خیلی دلت از ما پر بود که این‌طوری گیر دادی به این سوژه.

- ما در پاسخ به ایشان گفتیم: نه. فقط دست‌وبال ما برای پرداختن به همه سوژه‌ها باز نیست، چون جریمه‌ها زیاده. الان واقعا از ته دل خوشحال شدم جریمه شدید. فقط حواستون باشه، جریمه‌تون رو به‌موقع ندید دوبرابر میشه‌ها.

- پلیس +۱۰ که کماکان وسط صفحه word من بود گفت: خب حالا.

کارتون خواب

آروین

arvinmad@gmail.com

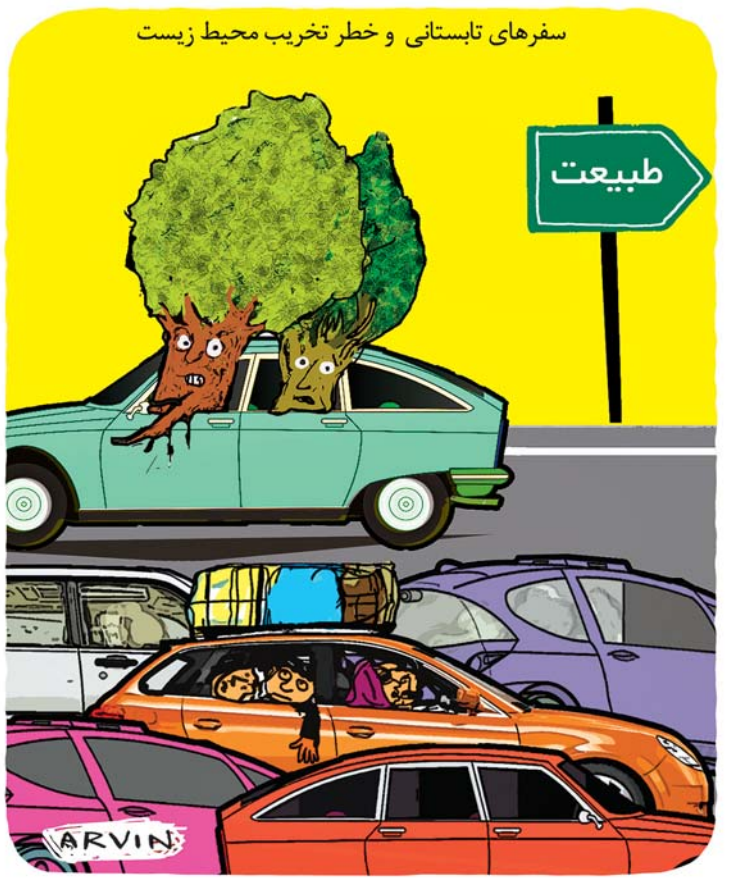

کابینه ۲۴ میلیونی

مقبول جوانان، زنان و نسل امروز

عبدالله ناصری

آقای روحانی برای رسیدن به کابینه‌ای مردمی و ۲۴ میلیونی راه سختی را در پیش دارند و شاید به همین خاطر است که تقریبا تمام گمانه‌زنی‌ها در مورد وزرای انتخابی، تا لحظه تقدیم فهرست موردنظر به مجلس، چندان واقعی به نظر نمی‌آیند. برای رسیدن به کابینه‌ای که بتواند با مردم همراه باشد و عنوان ۲۴ میلیونی به خود بگیرد، دو معیار مهم و اساسی وجود دارد:

نخست، گفتمانی است که آقای روحانی در سپهر سیاسی ایران مطرح کرده‌اند و با برنامه‌هایی که در فرصت انتخاباتی اردیبهشت‌ماه امسال مطرح کرده‌اند، می‌توان بخش‌هایی از آن را شناخت. کابینه‌ای می‌تواند همراه مردم باشد که تأمین‌کننده نظرات و گفتمان و برنامه منتخب همین مردم در انتخابات ۲۹ اردیبهشت‌ماه باشد.

اما معیار دوم که به نظر می‌رسد معیار بسیار مهمی است، عقبه مدنی است که در کوره‌راه این سال‌ها و در انتخابات اخیر، آقای روحانی را همراهی کرده است. این افراد فارغ از مطالبات منطقه‌ای و فردی خود، مطالبات جدی‌ای در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دارند که باید در دولت جدید پیگیری و تحقق یابد. اگر روزی مردم خوزستان در آن شرایط بد آب‌وهوایی، در دفاع از روحانی شعار دادند «هوا نداریم، اما هواتو داریم»، اکنون نه‌فقط خواهان بهبود مسائل محیط‌زیستی خود هستند، بلکه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... هم مطالباتی دارند که تنها یک کابینه قوی و کارآمد می‌تواند آن را پیگیری کند.

انتخابات امسال یکی از بی‌نظیرترین انتخابات در طول تاریخ انقلاب اسلامی بود، چراکه برای اولین‌بار دو نسل برجسته این انقلاب در یک انتخابات - و در جبهه‌های مختلف- عرض‌اندام کرد. بنابراین انتخاب کابینه‌ای ۲۴ میلیونی، با پرداختن به مطالبات جمعیتی نیز همراه است. روحانی باید تیمی را برای بخش اجرائی کشور برگزیند که علاوه بر توجه به ثقل مطالبات این گروه‌ها، توجه ویژه‌ای هم به حوزه زنان و جوانان در سطوح مدیریتی کشور داشته باشد.

قوه مجریه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین نهادهای اجرائی و مدیریتی در کشور، سطوح مدیریتی عالی و میانی فراوانی دارد که در چیدمان آنها دولت و مجموعه کابینه باید گوشه‌چشمی هم به توان بالای جوانان و زنان کشور داشته باشند. این موضوع متأسفانه هنوز نهادینه نشده تا جایی که با وجود کارنامه درخشان خانم مولاوردی در معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری، آقای روحانی براساس فشارهای وارده و تنگناها مجبور می‌شوند دست به تغییر بزنند.

چهار سال پیش‌رو، چهار سال بسیار سرنوشت‌سازی است؛ خصوصا آنکه در عرصه اقتصاد و مسائل بین‌المللی، فرازوفرودهای بسیاری انتظار مردم و دولت را می‌کشد. بنابراین دولت نیازمند آن است که همراهی این عقبه مدنی را محدود به صندوق‌های رأی نبیند و از یاری و حمایت آنها در این مسیر بهره‌مند باشد. جامعه نسل جوان که پشتوانه این عقبه است، امروز در شبکه‌های مجازی، بدون تعارف‌های رایج، حرف خود را با مدیران و مسئولان در میان می‌گذارد و اگر این را بستری بدانیم که در پیروزی رئیس‌جمهور روحانی تأثیرگذار بود، اکنون باید با حمایت از این نسل و جوان‌سازی دولت، همچنان به پویایی شبکه‌های اجتماعی در رصد دولت، دستگاه‌های اجرائی و حتی تصمیم‌سازی در سطوح مختلف کشور کمک کرد. در این مسیر، معرفی وزرایی می‌توانند سازنده کابینه ۲۴میلیونی باشند که در این معیارها، نمره قبولی بگیرند و مقبول نظر جوانان و زنان و نسل امروز باشند.

روزنامه‌نگاری پشت چراغ قرمز

امتداد خیابان ملت!

مهرداد حجتی

دفتر مجله‌اش را برده بود ته خیابان انقلاب، توی یکی از کوچه‌های فرعی سمت راست خیابان. آدرس که می‌داد می‌گفت انتهای انقلاب، دست راست، اما یادتان باشد خودم دست‌چپی‌ام! همین موجب شوخی‌اش با دوستان می‌شد. آن‌موقع کسی خیلی این حرف‌ها را بزرگ نمی‌کرد. اصلا خیلی هم دست راست و دست چپ خیابان به کار سیاست نمی‌آمد. سیاست کار خودش را می‌کرد و خیابان هم همان خیابان بود. چپ و راستش هم فقط استعاره بود که آن‌هم چندان به کار نمی‌آمد. چون اگر قرار بود با دست چپ و راست خیابان سیاست خط‌کشی شود که آن‌وقت باید همه راستی‌ها به سمت راست خیابان اثاث‌کشی می‌کردند و همه چپی‌ها هم به سمت چپ! آن‌وقت چه بلبشویی می‌شد! فقط تصورش را بکنید که همه در آن واحد در حال انتقال وسایل منزلشان به آن‌سوی خیابان هستند. هرکس وسیله‌ای در دست گرفته و دارد عرض خیابان را طی می‌کند تا به خانه روبه‌رو نقل‌مکان کند. آن روبه‌رویی هم متقابلا دارد همین کار را می‌کند. تصویری که در این لحظه خلق می‌شود دیدنی است؛ مثلا در حین عبور از کنار هم چپی از راستی می‌پرسد: «شیر آب گرم که همان چپ مانده؟ نکند عوضش کرده باشی؟» بعد راستی هم از چپی بپرسد: «تو چی؟ شیر آب سرد را که دست نزدی؟ همان دست راست است؟» بعد هم بروند همه وسایل را با سلیقه سیاسی عوض کنند! هرچیز چپی است راست شود و هرچه راست است چپی شود! از فردا بچه دست‌چپی برود مدرسه سمت چپ خیابان و بچه دست‌راستی برود مدرسه سمت راست خیابان! همین شکل از ماجرا موقعی جالب می‌شود که مدرسه دست‌راستی یک معلم کم بیاورد و ناچار شود یک معلم از مدرسه دست‌چپی قرض بگیرد! آن‌وقت برای این کار باید مدیران دو مدرسه تحت تدابیری با هم مذاکره کنند. این داستان می‌تواند همین‌طور با همین دست‌فرمان جلو برود و کلی ماجرا خلق کند؛ ماجراهایی که همه از عالم مجاز می‌آیند و چندان با «عالم واقع» نسبتی ندارند. در حقیقت تقسیم یک ملت به چپ یا راست به این شکل دراماتیک میسر نیست. درآمیختگی امور در «عالم واقع» هیچ‌گاه فرصت تحقق چنین تخیلی را فراهم نمی‌کند. یک ملت با همه سلیقه‌ها و گرایش‌ها در نهایت همچنان یک ملت هستند. آحاد تشکیل‌دهنده آن ملت با هر گرایشی هویت خود را در گرو «جمع» واحدی می‌بینند که «ملت» خوانده می‌شود. هر فرد مستقل از این هویت جمعی، فردی فاقد هویت است. ازهمین‌رو خردمندان هر جامعه‌ای برای پیوند هرچه‌بیشتر اجزای آن جامعه همواره در تلاش هستند تا مانع آسیب‌دیدن جامعه شوند. دمیدن گروهی نابخرد در برجسته‌کردن تعارضات، بی‌آنکه برای آنها چاره‌ای اندیشیده شود، هر جامعه‌ای را به‌سوی بحران سوق می‌دهد. کاستن از تعارضات و تلاش برای همبستگی، آرمان هر حکومتی است. ازاین‌رو به نظر می‌رسد در آستانه آغاز به کار دولت دوازدهم، کشور نیاز به وحدت میان نیروهای سیاسی دارد تا بتواند با اتکا به حمایت همه گروه‌ها بر مشکلات فائق آید. آیا این عزم در همه گروه‌های سیاسی دیده می‌شود؟ فراموش نکنیم این دولت، دولت همه ملت است، نه دولت گروهی خاص.

تحلیل

مشارکت سیاسی زنان، تلطیف نیست؛ تعدیل است!

نیره توکلی

در بیشتر استدلال‌های موافقان و مخالفان مشارکت زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری‌های حقوقی و مدنی و اجتماعی، وجوه اشتراکی به چشم می‌خورد که دفاع از آن یا مخالفت با آن را بر مبانی نادرستی قرار می‌دهد. از جمله این وجوه اشتراک تبیین‌هایی است بر اساس ذات زن و مرد؛ مثلا، مدافعان، حضور زنان را در فرایندهای سیاسی و اجتماعی باعث تلطیف این فضاها و دمیدن روح عشق و عاطفه و احساسات به این فضاها می‌دانند. در مقابل، مخالفان نیز ورود لطافت و عشق و عاطفه و احساساتی‌گری منتسب به زنان را مغایر عقلانیت و جدیت لازم برای تصمیم‌گیری‌های مهم می‌دانند. هر دو طرف چنین می‌اندیشند که عشق و عاطفه و نرمی و احساسات مختص زنان است و خشونت و جدیت که آن را مترادفِ عقلانیت می‌دانند و بری‌بودن از عواطف و احساسات امری ذاتی در مردان است. در این تبیین‌ها فراموش می‌شود که عشق یا خانواده مجرد نیست، در خلأ به وجود نمی‌آید و فقط یک جنس آفریننده و تداوم‌بخش آن نیست. همچنین اعمال قدرت و خشونت و رفتارهای فرهنگی مربوط به آن را مردان در خلأ نمی‌آموزند. «عواطف زنانه» و «عواطف مادرانه» نیز از جمله صفت‌هایی‌اند که گویی منکر وجود عواطف در مردان به‌طورکلی یا در برابر فرزندانشان می‌شود.

برخی طرفداران مشارکت زنان از خرد مردانه و خرد زنانه یا «خرد نرینه» و «خرد مادینه» سخن می‌گویند و چنان قلمرو خرد را با خصوصیات تنانه پیوند می‌دهند که گویی خرد چیزی است با مرزهایی عبورناپذیر و ثابت و میزانی تغییرناپذیر. درمقابل، مثلا صفاتی مثل «حسادت زنانه»، «کوته‌بینی زنانه»، «احساساتی‌گری» و «کم‌خردی زنانه» را مانعی بر سرراه داشتن عملکرد مثبت و درست و عادلانه در مسندهای سیاسی حقوقی و قضائی می‌دانند. بسیاری از دختران جوان را می‌شناسم که مثلا درس وکالت خوانده‌اند و هنگامی که به شما مشاوره حقوقی می‌دهند، ذره‌ای احساساتی‌گری و ناآشنایی با قانون یا راهنمایی نابخردانه در مشاوره آنها نمی‌یابید.

بیشتر تبیین‌های زیست‌شناختی ابزاری است برای توجیه خشونت و ذاتی‌دانستن آن در وجود مرد، اما اگر این‌گونه استدلال‌ها درست باشد، برای تفاوت‌های فردی میان زنان و مردان در ارتکاب خشونت چه توجیهی می‌توان پیدا کرد؟ بسیارند مردان انسان‌دوست و خیرخواهی که طبعی لطیف و مهربان دارند و جهان و ظرافت‌های آن را درک می‌کنند و بسیارند زنانی که در ارتکاب به خشونت و جنایت دست هر مردی را از پشت می‌بندند. تاریخ از نمونه‌های زنان قسی‌القلب و جنایتکاری که نه در کشتن کودک خود تردید روا داشته‌اند و نه در کشتن کودکان و انسان‌های بی‌گناه دیگر فراوان به چشم دیده است؛ نظیر سیاست‌مداران محافظه‌کار و جنگ‌طلبی چون گلدا مایر، مارگارت تاچر و خانم رایس (که در جنگ آمریکا و عراق بسیار فعال بود) و آن زن عراقی که سازنده سلاح‌های شیمیایی عراق بود، در تاریخ کم نیستند. چرا راه دور برویم؟ هم‌اکنون زنانی مثل ژان ماری لوپن و ترزا می بر تارک احزاب راست‌گرای نئوفاشیست قرار دارند. ژان ماری لوپن به‌قدرت‌رسیدن ترامپ جنگ‌افروز و فروشنده سلاح‌های نظامی و کشتار جمعی را در آمریکا خبری بسیار خوشایند دانست.

باید پذیرفت که اندیشه‌های انسان‌دوستانه و خردگرایانه و محیط‌زیستی و مبتنی‌بر توزیع عادلانه ثروت در جامعه و رفاه و سلامت اجتماعی به بینش و دانش و تخصص آنها بازمی‌گردد و به آن دسته از نظام‌های اقتصادی و اجتماعی که مجال بروز و چیرگی آنها را فراهم می‌آورند.

در جامعه امروز ایران نیز سخن‌راندن از مشارکت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و قدرت قانون‌گذاری زنان، به معنای تبلیغ جو شمع و گل و پروانه نیست، زیرا که، اتفاقا، در گذشته بسیاری از مردان شاعر ما این مهم را به نحو احسن به انجام رسانده‌اند. سخن‌گفتن از لزوم شرکت زنان در مدارج بالای تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مدنی و حقوقی، سخن‌گفتن از شرکت کسانی است که مهارت و تجربه و دانش و تخصص لازم را برای تشخیص مصالح خود و اجتماع کسب کرده‌اند. سخن از این است که واقعیت اجتماعی لایه‌های گوناگون دارد و نسبت هرکس با لایه‌های گوناگون اجتماعی دید او را به محیط خود و به شرایط زیست خود تعیین می‌کند. اگر لایه‌های گوناگون واقعیت و نسبت افراد و قشرهای جامعه را با این واقعیت‌ها بپذیریم، تکثر را پذیرفته‌ایم. نمونه ساده آن وجود و معنای پیاده‌رو یا معابر امن و مسطح برای عبور زن بارداری است که به هر دلیل- پیاده‌روی، هواخوری، رفتن به سر کار، خرید و ... - قصد دارد از نقطه‌ای در شهر تهران به نقطه دیگری از شهر برود. معنای پیاده‌رو برای وی بسیار متفاوت است با آن دید و بینشی که تاکنون مبنای مدیریت شهر تهران بوده و با اشغال و نابودی معابر و پیاده‌روهای امن و نابودی محیط زیست، اولویت را به برج‌سازی و ماشین‌وندی، به‌جای شهروندی داده است. سخن از احساساتی‌گری و فضای گل‌وبلبل نیست، سخن از جامعه‌ای است که همه لایه‌های واقعیت اجتماعی آن در مراتب قدرت و تصمیم‌گیری نماینده داشته باشند و دیده شوند.

سخن از تلطیف نیست، سخن از تعدیل است و تعدیل یعنی رهایی از یک‌سونگری و افراط‌گرایی. این ممکن نیست مگر نگرش‌های گوناگون؛ از زن و مرد و اقوام و نحله‌ها و طبقات مختلف در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت‌های مدنی و سیاسی شرکت داشته باشند.

اتفاق

مرگ بنیتا، خانواده‌ای را داغدار و روح انسانی میلیون‌ها نفر را جریحه‌دار کرد. پیش از انتشار خبر درگذشت این طفل هشت‌ماهه، خبر مرگ آتنا و پس از او نیز چند خبر درباره حوادث هولناکی که از جامعه کودکان کشور قربانی می‌گیرد، بهانه‌ای شد برای آنکه «هشدار بنیتا» در قالب یک پویش و کمپین مردمی به راه بیفتد. نام این پویش از «هشدار آمبر» گرفته شده است که در حقیقت سامانه‌ای است که در آمریکا هم‌زمان با گم‌شدن یا ربوده‌شدن کودکی فعال می‌شود و از گروه‌ها و دستگاه‌های مختلف می‌خواهد هرچه‌سریع‌تر گمشده را پیدا کنند. در ایران اما این کمپین در قالب اینستاگرام و تلگرام فعالیت خود را آغاز کرده و درحال‌حاضر بیش از دو هزار دنبال‌کننده دارد. در این کمپین، اگر کودکی گم شود یا در معرض خطر قرار بگیرد، می‌توانید با انتشار مشخصاتش، مکان و زمان مربوطه و حتی مظنونان، برای تسریع جست‌وجو و یافتن او کمک کنید.